

سرشت کدام حکومت دگرگون شده است ؟ شوروی یا ایران ؟

رویزیونیست های ایران دوستی حکومت امروزی شوروی و حکومت محمد رضا شاه را اینطور توجیه میکنند که حکومت اخیر در اثر مداومت سیاست خردمندانه اتحاد شوروی در اثر غیرتناسب قوا در عرصه جهان در اثر خواست مردم ایران بالاخره از روش ضد کمونیستی در سیاست خارجی روی گردانده است و از این جهت رویزیونیست های ایران بهبود روابط شوروی و ایران را پدیده ای مثبت و کامی در راه تأمین استقلال ایران تلقی میکنند .

رویزیونیست ها با این تحلیل خود دو عمل ضد انقلابی انجام میدهند یکی اینکه سیاست رویزیونیستی حکومت امروزی شوروی را در تقویت رژیم ضد ملی و دست نشانده امپریالیسم میبوشانند و دیگری اینکه حکومت محمد رضا شاه را میبایزند .

تحولات عمده ای که در سالهای اخیر در روابط شوروی و ایران بظهور رسیده از دو منبع سرچشمه میگردد . یکی تغییر ماهیت سیاست اتحاد شوروی و دیگری تعریفی که سیاست ضد کمونیستی رژیم ایران .

برای درک تحولات مذکور باید در نظر داشت که دوستی حکومت امروزی شوروی با حکومت ایران پدیده ای استثنائی در سیاست شوروی نیست . دوستی مذکور گوشه ای از زمینه سیاست خارجی امروزی شوروی است که همزیستی مسالمت آمیز بین پرولتاریه خرنوشی و ارجحی اترا سوسیالیسم پرولتری نشانده است . این سیاست در عمل بصورت همکاری با امپریالیسم امریکائی و توطئه بر علیه استقلال ملتها تقویت دول ارتجاعی و دست نشانده های نظیر هند ، برمه ، اندونزی ، مائزی و برخی دیگر از کشورهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین در آمده است .

تقویت رژیم محمد رضا شاه جزئی از این مجموعه است و در دور سیاست کلی امروزی شوروی کاملاً قابل درک است .

وقتی که محافل ارتجاعی و روزنامه های سازمان امنیت ایران مینویسند و تکرار میکنند که برای ایران دیگر خطری از جانب شمال وجود ندارد ، سخن آنها به چه معنی است ؟ آیا بدان معنی است که تادیب از جانب شمال خطری شوجه خلق ایران ، استقلال و تمامیت ایران بوده و امروز با برخاستن آن موجب خوشنودی این محافل و جرائد فراهم شده است ؟ -

بدیهی است که به این معنی نیست . گمانی که قیت غارت و چپاول شکنجه و اعدام خلقهای ایران زنده اند ، کسانیکه استقلال و تمامیت ایران را بر تخته حراج نهادند از جنبش جهانی نگران نمیشوند ، تکراری آنها از جانبی است که خلقها چشم میدبندان دارند ، آنها و شکی که از خطر سخن میگویند منظورشان خطری است که سلطه امریستی خود آنها را ترویجی کران خود آنها را وطن فروشی بیدریغ خود آنها را تهدید میکند و اگر امروز از رفیع خطر شمال به سستی شادمانی میافتند بدان معنی است که دیگر حکومتی که با اجزای و طائف اترا سوسیالیسم نیست خود مدافع مردم ایران و سدره و ستاس وطن فروشانه محافل فرمانروای ایران باشد در همسایگی ایران وجود ندارد .

دیگر این نیروی الهام بخش انقلاب ایران از مرزهای شمال دور شده است . دیگر از آن ... بقیه در صفحه ۳

نکته ای چند در باره مبارزه قهرآمیز

اینکه میگوئیم مبارزه قهرآمیز شکل عمده و غالب مبارزه است به چه معنی است ؟

بآن معنی است که شکل مسالمت آمیز مبارزه تابعی از این شکل است ، بر طبق مقتضیات آن در جهت آن و بمنظور تحقق یافتن و تقویت و توسعه آن صورت میدهد . تدرج قطعی و آخرین قسقط بشکل قهرآمیز مبارزه بوقوع می پیوندد .

هر مبارزه اقتصادی ویا سیاسی ممکن است بشکل مسالمت آمیز ویا قهرآمیز بروز کند . وقتی که کارگران برای ارتقا دستمزدها و کاهش ساعات کار بنشستن اعتراض نامه بگزارند و دولت اکتفا نمیکند ، مبارزه آنها مسالمت آمیز است و آنگاه که بهمین منظور دست به اعتصاب میزنند و کارخانه را با شغال خود در می آورند و تنگبندان خود را بر آن میکازند مبارزه آنها قهرآمیز است .

وقتی که توده های مردم برای بدست آوردن آزادی احزاب در چهارچوب قوانین و مقررات موجود دست به تظاهر میزنند مبارزه آنها مسالمت آمیز است و آنگاه که با بر سر قوانین و مقررات هیئت حاکمه میگازند ، با پلیس و ارتش در می افتند ، میزنند و می خورند ، میشوند و کشته میشوند مبارزه آنها قهرآمیز است .

شکل قهرآمیز مبارزه در تکامل خود بدرجه درگیری مسلحانه با نیروهای مسلح دولتی میانجامد و سرزودت حکومت را تعیین می کند . پارتیزانها و ارتش توده های مؤثرترین مبارزان سیاسی هستند از یک سو امکانات آنان در این زمینه از حدیقه هرگونه مبارزه مسالمت آمیز بیرون است و میتوانند بانگه تفنگ خویش بیدارند .

دائرتین و ژرف ترین مبارزه سیاسی دست بزند و از سوی دیگر پیشرفت و کامیابی آنان وابسته برهبری شایسته این مبارزه است . کسانیکه مبارزه سیاسی را از مبارزه قهرآمیز جدا میسازند و به آن کم بها میدهند در واقع مبارزه قهرآمیز را از مضمون خود تهی میکنند ، آنها بصورت اقدامی بچ و بی هدف در می آورند ، موجب انفراد آن میشوند و طبیعتاً آنها شکست میکنند .

مارکسیست ها - لنینیستها از هیچ یک از اشکال مبارزه

روگردان نیستند . این ادعای رویزیونیستها که گویا اینان فقط بشکل قهرآمیز مبارزه معتقدند و آنها در هر زمان و مکانی بدون توجه بشرا بط موجود تجویز میکنند اتهامی بیش نیست و هدفش ایجاد سرکشی در درک تانکیک مارکسیستها - لنینیستهاست اینان معتقدند که باید از هر شکل مبارزه از مسالمت آمیز گرفته تا قهرآمیز ، از علنی گرفته تا مخفی ، از قانونی گرفته تا غیرقانونی ، به موقع خود استفاده کرد . هر یک از این اشکال مبارزه که فروگذار شود امکانات بزرگی از دست رفته است . ولی در عین حال نباید همه شکلهای مبارزه را از لحاظ تاثیر در تدرج طبقاتی در یک عرض نهاد . شکل قهرآمیز مبارزه شکل عمده و عالی آن است . رژیم حاکم را جز با مبارزه قهرآمیز نمیتوان ساقت ساخت ، باید در همان حال که پارتیزانها و ارتش توده های بمبارزه قهرآمیز مشغول اند در شهرها بتدارک تظاهرات و اقدامات کوناگون مانند ، نمایشی زنان و مادران و خواهران به منظور جلوگیری از اعزام سربازان به جبهه ، اعتصاب کارگران به منظور تضعیف دستگاه دولتی

بقیه در صفحه ۲

یادی از ۱۶ آذر

روز شانزدهم آذرماه سال برای چهاردهمین بار سالگرد یکی از یورشهای رژیم شاه بصفحه دانشکاه قله سه دانشجوی ضد رژیم بزرگ نیا ، قندچی ، شریعت رضوی تکرار گردید .

در این روز دانشجویان دانشکاه تهران علیه اشغال دانشگاه توسط قوای مسلح رژیم کودتایه اعتراض براه افتادند . تنها با سخ رژیم شاه با آنها رکیار سلسل بود . تعداد زیادی از دانشجویان مجروح گردیدند و سه تن از آنها - بزرگ نیا ، قندچی شریعت رضوی بشهدات رسیدند .

دانشجویان و تمام مردم ایران هیچگاه این دانشمن محمد رضا شاه را که شخصاً دستور حمله بدانشگاه و تیرباران دانشجویان را داده بود فراموش نمیکنند .

مانیز بناسبت چهاردهمین سالگرد این فاجعه ننکین خان - طر نشان میسازیم که خاطره بزرگ نیا ، قندچی ، شریعت رضوی ، مانند خاطره سایر شهدای راه استقلال و آزادی ایران هوادار بر ایمان جاویدان و کرامی خواهد ماند .

جنگ توده ای پیروز مندر ویتنام

فام وان دون نخست وزیر جمهوری دموکراتیک ویتنام بناسبت پیوسته دومین سال تاسیس آن جمهوری نطقی ایراد کرد که خلاصه ای از آن بنظر خوانندگان گرامی میرسد .

واشنگتن درین بست است

پیروزیهای ما و شکستهای دشمن که در واشنگتن و در سراسر جهان ظنین انداخته موجب تشدید دشواریها و گرفتاریهای واشنگتن گردیده است . بودجه آمریکا در سال مالی جاری نشان دهنده کمبود بیسابقه است . مخارج جنگ ویتنام برناه عوامفریبانه جانسون را در مورد " جامعه بزرگ" برهم زده است . افزایش عظیم مالیاتها موجب ناخشنودی کینه قشرهای اهالی شده است . قدرت اقتصاد آمریکا و موقعیت آن حتی در ندریای سرمای داری پیوسته رو به تنزل است . جنبش سیاهان که با دامنه و نیروی بیسابقه در تاریخ آمریکا گسترش یافته بصورت بیعی ساعت شعور در قلب جامعه سرمای داری آمریکا عمل میکند . این جنبش نشان مرحله جدیدی از مبارزه بر علیه تبعیض نژادی و بخاطر تحصیل حقوق اساسی سیاهان در آمریکا است . خلق ما جدا نده و بی کم و کاست از این مبارزه عادلانه سیاهان پشتیبانی میکند و به پیروزی نهایی آن ایمان دارد . مبارزه طبقه کارگر آمریکا در راه حقوق اقتصادی و دموکراتیک و همچنین اعتراض خلق آمریکا بچنگ تجاوز کارانه در ویتنام هر روز وسعت بیشتری مییابد . . .

در عرصه بین المللی امریالیست های آمریکائی که چهره تجاوزکار و مزور خود را روز به روز بیشتر نشان میدهند مورد کینه و اعتراض خلقها قرار گرفته اند . بسیاری از متحدانشان نسبت بانها سرد شده اند و حتی برخی به جدائی از آنها

و اعتراض به آنها روی آورده اند اینک امپریالیسم آمریکا درین بست افتاده است . شکست او ناگزیر است . این فقط نظر مائیت بلکه افکار عمومی جهان و بسیاری از محافل آمریکا نیز با این نتیجه رسیده اند . بنا به اعتراف رئیس جمهور در گذشته آمریکا ، کندی ، آمریکا در ویتنام جنوبی در توتل بن بست گرفتار آمده است واشنگتن با امید آنکه از این ین بست بیرون آید جنگ تجاوزکارانه را پس از هوشگستی شدت و توسعه میدهد . اما هر عروج تازه موجب شکست و خیزگری میشود و این امر با هم بهترین ثابت میکند که هیچ مغری برای واشنگتن نیست خلق ما باید بیش از هر زمان بر هشامیری خویش بیفزاید و برای مقابله با هر پیش آمدی آماده باشد . و کینه و مانورهای خطرناک و عملیات ماجراجویانه آمریکا را بسا پیکار خود درهم شکند .

دولت بوشالی سبایکون

مقرض استراتژی واشنگتن در هر روز زیاده خود که یکی نظامی و دیگری سیاسی (استعزاز آرامش) است آسیب بسیار دیده است . دلایل این است که قشرهای مختلف مردم در ویتنام جنوبی که حتماً در زیر پرچم جبهه ملی نجات بخش گرد آمده اند ، و چهره منفور ارتش و دولت بوشالی را بر روشنی دیدند بیش از هر زمان با شور روز افزون در مبارزه بر علیه تهاجم آمریکا و بخاطر نجات ملی شرکت میجویند .

بقیه در صفحه ۳

مشی جدید توفان و یگی از خوانندگان

از زمانیکه "توفان" برخط مشی ناروشن و توفان آمیز خود قلم بیلان کشیده و با فاطمیت جهانی عینی علی را راهنمای خویش قرار داد، از زمانیکه نشریه توفان ارگان یک سازمان مارکسیستی لنینیستی اعلام کرد پدیده های تشویق آمیز بسیاری به دفتر توفان می رسد که ما را در کار خطیری که برعهده گرفته ایم دل گرمی میبخشد. ما انتظار داریم که این دوستان همچنان ما را با پشتیبانی و کمکهای مادی و معنوی خود، دلگرم سازند. معذک یکی از علاقمندان نشریه توفان طی نامه ای ما را در اقدامیکه بدان دست زده ایم نکوهش میکند. این خواننده توفان برآنست که راهی که ما در پیش گرفته ایم "درجهت تضعیف جنبش جهانی کونیستی و لطمه به حیثیت مارکسیسم لنینیسم است؛ بلکه دوستان روشن بین با این روش به شدت مبارزه خواهند کرد". گویا تا هنگامیکه توفان راه معین و روشی نداشته، تکبها و خدام مارکسیسم لنینیسم بود و دوستان "روشن بین" نه تنها با آن به مبارزه بر نمیخاستند بلکه "پخش و فروش روزنامه توفان و نشریات آن" را نیز برعهده میکردند. اما اکنون که نشریه و سازمان توفان راه طبقه کارگر را برگزیده و جهان بینی طبقه کارگر را راهنمای اندیشه و عمل خویش قرار داده است باید با آن "به شدت" به مبارزه برخاست زیرا که گرویدن به راه و جهانی بینی طبقه کارگر گویا در جهت تضعیف جنبش جهانی کونیستی و لطمه زدن به حیثیت مارکسیسم لنینیسم است. برخلاف نظریه خواننده گرامی، در شرایط کنونی کشور ما که جنبش کونیستی آن از راه طبقه کارگر دوری گزیده و راه سوسیال دموکراسی را در پیش گرفته است، در شرایط کنونی جهانی کونیسم با تفاسیر مغرب خور و شیخ و همدستان او به حیثیت و اعتبار حزب کونیست و دولت اتحاد شوروی لطمات فراوانی وارد آمده است و ایجاد سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان نقض در جهت تضعیف جنبش کونیستی جهانی نیست؛ نه تنها به حیثیت مارکسیسم لنینیسم لطمه نمیزند، بلکه در جهت احیای جنبش کونیستی ایران و تقویت جنبش کونیستی جهانی است.

این خواننده گرامی با زهم مینویسد: "تجرباتی که در اثر تحولات چند ساله اخیر در میان جنبش جهانی بدست آمده چهار نظر جهانی و چهار زمینه مسائل مربوط به کشورها، نادرست بودن شی شمارا برها بسیاری از همزمان و دوستان که دارند، باعث عدم تحقق و توسعه واقعیات عینی گرد کرده به تقریرهای رهبران چینی و هیروان ایرانی آنان سعادت نشان دادند بطوریکه آشکارا روشن نموده است. از این خملات متاسفانه بهیچوجه معلوم نیست از کدام تجربیات کتک میروند، منی ما چه منی است و نادرست بودن آن در کجاست مابعد آنچه که خواننده گرامی مدعی است درست برائرتجربیات سالهای اخیر چه در زمینه مسائل مربوط به کشور خود و چه در زمینه مسائل بین المللی و درست بعلمت تحقق در این تجارب و توجه به واقعیات عینی، به پیرز گذشتن از مراحل مختلف مبارزه راه خود را برگزیده به صحت آن ایمان کامل داریم. ما در همین شهادت ره طرح برنامه کار و وظایف فوری خود را انتشار داده و از همه علاقمندان به انقلاب ایران خواسته ایم آترامورد انتقاد قرار دهند و هرچنانکه نادرستی در آن می بینند بما تذکر دهند. ما بدین روش به این انتقادات عینا گوش فرا خواهیم داد. از این خواننده گرامی می توفان نیز انتظار داریم جملات فشرده ای را که در نامه خود نوشته و حکم کلی را که صادر کرده است بشکافت و بطور مشخص نادرستی خط مشی ما را روشن سازد. اما آنچه که در مورد رهبران حزب بر افتخار کونیست چین گفته شده نظرمناصیح می برد ما است؛ عناصر مرکبه این مائوتسه دون مارکسیسم لنینیسم دوران ما است. عناصر مرکبه این اندیشه عبارت است از مارکسیسم - لنینیسم با نفع ام احکام و تقو - رهبانی که پارتیک انقلاب چین به کجینه مارکسیسم - لنینیسم افزوده است. صحت اندیشه مائوتسه دون را نه تنها پیروزی انقلاب کبیر خلق چین بلکه جریان مبارزات انقلابی خلقها و رویدادهای جهان طی پانزده سال اخیر بخوبی نشان میدهد. ما هم چنین برآنیم که در حال حاضر چین مرکز انقلاب پرولتاریائی جهانیست. مرکز انقلاب که طی قرن نوزدهم از غرب به شرق اروپا انتقال یافت و در نیمه اول قرن بیستم در

ما و خوانندگان

اتحاد شوروی بود اکنون بسوی خاور گرانیده است. وفاداری به اندیشه مائوتسه دون، وفاداری به این مرکز انقلاب جهانی، وجه تمایز میان مارکسیسم - لنینیسم و روزیو نیسم است. جای بسی خوشوقتی است که امروز چکیده اندیشه و افکار مائوتسه دون در "کتاب سرخ" بزبانهای گوناگون و از آنجمله به فارسی در اختیار توده های وسیع مردم قرار گرفته است. این مجموعه حاوی کرشمه هایی از مشی حزب کونیست چین در زمینه های مختلف است. مائوتسه دون در یکی از آثار خود به درستی خاطر نشان میسازد که بدون تحقیق در امری اظهار نظر در آن خطاست این است که ما با اعتقاد راسخ به صحت این حکم به نویسنده گرامی نامه قرائت این کتاب و تعمق در آن را توصیه میکنیم. چیزی که در اندیشه مائوتسه دون در مشی حزب پر افتخار کونیست چین چشم میخورد عبارتست از تکیه بر توده ها، اعتقاد عمیق به توده ها، توجه به توده ها، تشویق توده ها به مبارزه، اتکا به نیروی خود، نهراسیدن از مشکلات، ایقان به پیروزی نهایی، کینه عمیق نسبت به دشمنان خلق و اطمینان کامل به شکست نهایی آنها، مهر و علاقه و بیحد و حصر نسبت به توده های مردم و اطمینان کامل به پیروزی آنها، ایمان به طبقه کارگر و جهانی بینی وی، پیگیری در انقلاب، دموکراسی واقعی، تکلیف انسانها در قبال خطا و اشتباهات خود و دیگران ضحیه و غیره... آن سازمانیکه واقعا اندیشه مائوتسه دون را راهنمای خویش قرار میدهد و بدان عمل میکند نمیتواند از اشتاد و پشتیبانی توده های مردم بر خوردار نگردد. اگر کسانی پیدا شوند که خود را پیرو اندیشه مائوتسه دون بخوانند ولی رفتار و کردار آنها برخلاف اندیشه مائوتسه باشد، گناه از اندیشه مائوتسه نیست، گناه از این دشمنان اندیشه مائوتسه است که خود را در حرف پیرو آن معرفی کرده یا میکنند. اما آنچه که مربوط به ما است "نقطه حرکت ما عبارتست از خدمت صمیمانه به خلق، جدانشدن از توده ها حتی برای یک لحظه، در همه موارد منافع خلق و نه منافع فرد یا گروه کوچکی را میدارگرتن" (مائوتسه دون) "ما به خلق خدمت میکنیم و از این رو اگر تقاضای داشته باشیم از تذکر و انتقاد دیگران هراسی نداریم. نشان دادن تقاضای ما از طرف هر کسی که باشد جایز است و اگر او برحق باشد ما آن تقاضا را اصلاح خواهیم کرد، هرگاه پیشنهادی که او مطرح میکند بسود خلق باشد ما حتما بر طبق آن عمل خواهیم نمود" (مائوتسه دون) خواننده گرامی توفان از آنجا که از تضعیف جنبش جهانی کونیستی نگران است و لطمه به حیثیت مارکسیسم لنینیسم او را به مبارزه و میدارد، اگر خود کونیست نباشد دست کم باید هوادار استوار کونیسم و جهانی بینی کونیستی باشد. از این رو جا دارد یادآور شویم که "کونیستها باید پیوسته برای دفاع استوار از حقیقت آماده باشند، زیرا که حقیقت در جهت منافع خلق است، کونیستها باید پیوسته برای اصلاح اشتباهات خویش آماده باشند. زیرا که اشتباه با منافع خلق در تضاد است" (مائوتسه دون)

نامه ای از ایران *

بهمراه رود های رفیقانه مختصری از آنچه در این شهر بسر مردمان این دیار میگذرد برایتان مینگارم و امیدوارم در آینده بتوانم مطالب بیشتری ارسال دارم. وضع اقتصاد عمومی فوق العاده خراب و هزینه زندگی بسی نهایت بالاست. کار کم است و فقر همگانی پیوسته حکمفرماست. بطور مثال دیلمها حاضرند با ماهی صد و پنجاه تومان سخت ترین کارها را انجام دهند. در یکی از کارخانه های قد هنگامیکه عدای از کارگران از جمله تصدیان باسکول و سیلوه و آژ- مایشگاه کارخانه بعلمت کمی مزد برایشان کارخانه اعتراض میکنند - رئیس در جواب میگوید: "اگر نصیخواهید کار کنید بفرمائید بروید ما دیلمه با روزی شصت و پنج ریال استخدام خواهیم کرد". . . . بطور کلی در شهر ما کمی در آمده بقرون تدارک و سیاه روزی و کرانی اجناس سوره آسمان زده است. درجائی که مزد اغلب شا-

ظلمین سی الی هفتاد ریال است تخم مرغ دانهای چهارریالی و نیم میباشد. میوه سبزی و لبتیات پنبه کرده آنها هم که قلابی - که اصلا خرید نمیشود. خود دولت که بقول بعضیها "حافظ منافع مردم و ماهر برقراری یک عدالت نسبی اجتماعی" است ستم کرانه در استعمار و استحصال غارتگرانه طبقات مستکبر شریک است. مثلاً در شهرها به ها آژورگا روز مزد ماهی صد و پنجاه الی دویست تومان و پیشخدمت هائی که با ماهی نود تا صد بیست تومان کار میکنند در استخدام دولتاند. . . . این وضع شهر بود. وضع دهات بمزاتب از این بدتر است. . . . سرمایه در دهان در آن زمین در آن خود. دولت به جنایات و وحشیانهای مشغول اند. از یکدشت که اصلا خبری نیست. سرمایه با صلاح بدهد. اشتاد ادارات بهداری نیز جز وسائل تبلیغاتی چیز دیگری نیستند. در یک بخشی که شامل نود پارچه ده است فقط یک دکتر آنهاست بدون دارو و بدون وسائل وجود دارد. در بخش های دیگر همین یک دکتر هم وجود ندارد. مردم نیز ناگزیرند اینهمه محرومیت ها و غارتگریها تحمل کنند و از ترس سرسریزه پلیس و مأمورین سازمان "اطلاعات و امنیت" و تازیانه و اندام صدایشان در نیاید.

هزینه تحمیلی برگزاری جشن و مراسم تاجگذاری شاه نیز قوز بالا قوز مرد شده است. با یک سلسله عوامفریبی و قبحانه کوبش میشود بتمام این غارتگریهای بیشترانه جنبه "توده خواهی" بدهند. ولی بیشتر این عوامفریبی ها را طبقات پائین درک می کنند. آنها می بینند کسلا در دهاتی کشیده در سه وجوه وجود دارد، دانش آموزان مجبورند در اطافهای بدون پنجره شبیه آغ غل گوسفند از "سپاهیان انقلاب شاهانه" در سه اصطلاح "نظارتی" بیاموزند، در اینجا برای برگذاری جشن به هر "سپاهی دانش" مبلغ سه هزار ریال پول داده میشوند تا دهات را تزئین کنند. علاوه بر این از دهقانان نا چیزا تهدید "داوطلبانه" پول جشن میکنند از بچه های حاصل نیز که محتاج نان شب هستند "داوطلبانه" پول جشن گرفته میشود. ولی آنها بدین وسیله تضاد منافع دولت را با خواسته های مردم نشان داده اند. نمونه های دیگری از عملیاتی که بوسیله مأمورین به مرد جمعیت شده است عبارتند از:

- ۱- تشکیل کمیتهای تاجگذاری از طرف دولت تحت نظر ارتش و سازمان امنیت و اوار کردن برخی از فرهنگیان و مغازه داران به شرکت و همکاری اجباری جهت برگذاری جشن و کر- فتن پول از مردم جهت ساختن طاق نصرتهای پرخرم و چرافانی شهر.
 - ۲- تهیه برنامه های تبلیغاتی و کارناوالهای مسخره به وسیله افراد ارتش.
 - ۳- نصب لوحه های یادبود مرمرین پرخرم که از آلبونان و بهد اشت و فرهنگ مردم غارت و دزدیده شده است و بخاطر ثبت "مشهور انقلاب" قلابی شاه در آنها ساخته شده اند. هم چنین تصویبهای مخصوص شاه و فرخ در همه جا.
- اینهاست نمونه هایی از برگذاری جشنهای فرمایشی تاج گذاری که گویا مردم "از دل و جان" در برگذاری آن کوشیده اند. به با توجه به حجم توفان متاسفانه ناگزیرم حذف قسمت هائی از این نامه گردیدیم صل این اختصار را به نقطه (. . .) نشان داده شده است - توفان

تکه ای . . . بقیه از صفحه ۱ و جلب سستی از ارتش سبزی شهر و غیره و غیره برداشته شود. ولی همه اینها باید در جهت تقویت و توسعه مبارزه قهرآمیز و نتایج آن باشد نه برعکس. این طرز طرح مسئله ولزوم درک دقیق و برهات اکید مناسبات میان مبارزات مختلف اقتصادی، سیاسی، علمی، مخفی و مسا- لمت آمیز و قهرآمیز ایجاد میکند، که حزب پیشاهنگ پرولتاریا رهبری مجموعه نهضت را در دست داشته باشد. بدون رهبر چنین حزبی نمیتوان موضوع سیاسی شایسته ای مبارزه قهرآمیز بخشیده و نمیتوان آنرا جان داد. از اینجهت مارکسیستها - لنینیست های ایران احیا" حزب طبقه کارگر را وظیفه مسر خود میشناسند. کسانیکه چنین وظیفه ای را منکراند و یا آن ارتش لا- زم نمی نهند از مارکسیسم - لنینیسم بدوراند و این سخن بزرگ رفیق مائوتسه دون را از یاد برده اند که میگوید "حزب باید بر تفنگها فرمان دهد".

بقیه در صفحه ۴

چنگ ... بقیه از صفحه ۱ معادل سیاسی نظامی امریکا در...
یگو و در واشنگتن غالباً نوکران خود رانای لایق فاسد و بی‌شرف
میخوانند. ولی چگونه ممکن است که سگان شکاری آنها جز این
باشند؟ در واقع شکست این کندی امریکائی انگلیسی از شکست
امریکا در جنگ تجاویز کارانه در جنوب کشور ماست.

حل سیاسی مسئله ویتنام

در این مورد موضع نظریه و برخورد خلق ویتنام دولت جمهو
ری دموکراتیک ویتنام شمالی و جبهه ملی نجات بخش ویتنام جنوب
بی بسیار روشن و بسیار درست است... از آنجا که دولت امر
یکا تنها کارانه به جنگ جنایت بار بر علیه جمهوری دموکراتیک ویتنام
شمالی که کشوری مستقل و حاکم بر سرنوشته خویش و سوسیالیستی
است مبادرت جسته است. وی باید بطور قطع و بدون شرط
به بمبارانها و به هر عمل نظامی بر علیه جمهوری دموکراتیک ویتنام
شمالی خاتمه دهد. استقلال و حاکمیت این کشور و سرزمین آنرا
محترم بدارد. این خواست مشروع خلق ویتنام است و همچنین
از مشخصات بدوی حقوق بین المللی است... نا آنگاه که امریک
ثبات تجاویز ادامه میدهند ما بیچار خواهیم کرد. هسان طور
که جبهه ملی نجات بخش ویتنام جنوبی اعلام داشته است: هم
میثاق ما در جنوب عزم راسخ دارند تا وقتی که سایه امریکائی
تجاویز کار از خاک میین عزیز آنها بر افتد بچشند. خلق ما هر
کز تابع زور نخواهد شد و به مذاکره در زیر تپه یابیم تن در
خواهد داد... از آنجا که دولت امریکا به جنگ تجاویز کارانه در
ویتنام دست زده است وی باید به تجاویز خاتمه دهد. این است
راهی که به صلح در ویتنام می انجامد. وی باید بطور قطع و
بدون شرط به بمبارانها و به هر عمل نظامی بر علیه جمهوری دمو
کراتیک ویتنام شمالی خاتمه دهد، کلیه سهایان خود و کشورهای
دست نشانده خود را از ویتنام جنوبی بیرون برد. جبهه ملی نجا
بخش ویتنام جنوبی را برسمیت بشناسد. بگذار که خلق ویتنام
امور داخلی خویش را خود حل و صلح کند. راه دیگری ممکن نیست
پیروزیهای مایه انقلابی جهان نیز متعلق دارد

جنگ بزرگ معارفت که خلق ما بر علیه تجاویز امریکا و بخاطر نجات

سرشت... بقیه از صفحه ۱ سوخطوری شوهر مرموز ایران نیست
محافل ارتجاعی روزنامه‌های سازمان امنیت ایران در کورن
ماهیت حکومت شوروی را تهنیت میگویند.
روزگاری که حکومت شوروی هنوز به سیاست ضد مارکسیستی کثونی
خود نگرانید بیرون پیمان ضد ملی و امریکائیستی بختداد "را میکسید
و اعلام میداد اشتک بکتابن پیمانها که ایران را به فرقه ضد رفا امریکائیستها
می سیار و بصورتی یکا متحد شوروی در می آورد و در دستن شوروی و ایر
سازگار نیست، ولی چند سال بعد که حکومت شوروی در سرآشوبیست
ضد مارکسیستی در غلطید بمقا همن پیمان تن در داد و هیئت نما بند
کی اعزامی او در طهران فقط باین شرط کرد ولتا ایران قرارداد نا نظامی
جدیدی با امریکا اشنگند حاضر شد با ضاموفاقتنامه مد و ستی و
هنگاری با ولتا ایران بیزد از... اگر چنین موافقتنامه‌های با ضاموفاقت
در اثر آن بود که حکومت محمد رضا شاه با این پیشنهاد و ستی نهاد و با
امریکا قرارداد نا نظامی اسفند ۱۳۳۷ (۱۹۵۸ م) را منعقد سست
آنگاه به نظر میرسد که در برگرد ولتا سوسیالیستی نمیتواند با دولتی
که بموجب چنین قراردادی با امریکالیستها ها اجازه اشغال
خاک خود را داده است، سردوستی داشته باشند.
اما چندی نگذشت که حکومت شوروی بنا بر زمینه همکاری با
امریکالیسم امریکا و بمنظور تامین منافع ملی ناپاک با حکومت
ایران مانند حکومتی "معصوم" وارد مذاکرات مجدد و بند
بست های تازه گردید و کار را بجائی کشانید که امروز در
جلوی چشم مردم جهان است.
این وقایع تاریخی نشان میدهد، که از میان این دو
حکومت که یکی روزگاری مجری سیاست اصولی انتزاع سوسیالیستی
بوده و دیگری پیوسته در فرقه سیاست ضد ملی و وابسته به
امریکالیسم بوده است، آن که موضع خود را رها کرده و به
موضع دیگری پیوسته، حکومت شوروی است نه حکومت محمد
رضا شاه.
البته محمد رضا شاه هم در اثر تخریبی که در حکومت شوروی
رویی داده شکل سیاست ضد ملی و ضد کمونیستی خود را عوض

ملی از پیش میرد ظهر منسجم مبارزه انقلابی توده های زحمت
کش و خلقهای اسیر جهان بر علیه امریکالیستها امریکا و بخاطر
صلح، استقلال ملی و دموکراسی و ترقی اجتماعی است و نبردی است
در خط مقدم این مبارزه. پیروزی های مایه قوای انقلابی جهان
نیز متعلق دارد. از آنجا که خلقهای ممالک دیکریابین حقیقت
و قوت کامل دارند که جنبش پشتیبانی از خلق ما روز بروز با قدرت
افزون تر، دامنه گسترده تر و عریق بیشتر تکامل می یابد. بتدریج
عملاً جبههای از خلقهای جهان بمنظور پشتیبانی از ویتنام در ره
ره بر علیه امریکالیسم تجاویز کار امریکا بوجود آمده است... به
مناسبت بیست و دومین سالگرد تاسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام
شمالی... مایه خلق برادر چین که موافقت بساختن سوسیالیسم
لیسم مشغول است درود میفرستیم. جمهوری کبیر توده های چین
در نبرد کثونی ما بر علیه تجاویز امریکا و بخاطر نجات ملی تکیه گاه
بزرگ پشت جبهه ماست. خلق چین برادر ما ست و چنانکه به ما
نزدیک است که لب بندند... جنبش مبارزه بر علیه تجاویز امر
یکا برای کمک به ویتنام "که صد ها میلیون از مردم چین را در بر
میگیرد. سببناست دامنه خود، عمق خود، نیرو و فتای خود...
مظهر درخشانی از همبستگی مبارز جویانه خلقهای دموکراتیک است
آزمایش موفقیت آمیز بمب هیدروژنی و موشکهای حامل بار هستی
کک فلانهای به تقویت کشورهای سوسیالیستی است، برای خلق
هائیکه در راه استقلال ملی مبارزه میکنند بسیار نیرو بخش است،
مشوق مبارزه ما بر علیه تجاویز امریکا و بخاطر نجات ملی است...
بناسبت بیست و دومین سالگرد تاسیس جمهوری دموکراتیک
ویتنام شمالی، خلق ما به طبقه کارگر بین المللی، به خلقهای

کرده است. این ابتکار از نیت تعلیم امریکالیست هاست.
همه چاکران امریکالیسم از امریکائی جنوبی گرفته تا اندونزی
سیاست خود را در برابر جحکت شوروی یا واقفیت امرور
تطبیق داده اند. محمد رضا شاه در عین حال که پایه های
اصلی مملکت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی امریکالیست ها را
در ایران محکم نگاه داشته است از قراردادها و کمکهای
اقتصادی شوروی برای تخفیف بحرانهای اقتصادی استفاده
میکند و از پشتیبانی معنوی او بهره بر میدارد برای محمد رضا
شاه چه فرصتی از این گرانبهاتر که نمایندگان دولت شوروی ثنا
خوان وی باشند و او را "رهبر عالیقدر ملت ایران" معرفی کنند
تمام میلیونها و میلیارد های محمد رضا شاه تهنیت است حتی یک
جمله ستایش آمیز از یک دولت سوسیالیستی برای او بخرد.
ولی اینک دولتهائی که هنوز نام سوسیالیست دارند و در رأس
انها استحاد شوروی این همه تعلقات درباری در پای شاه
میریزند، رژیم ضد ملی ایران از این گنج باد آورده برای قرب
تودهها و نفاق افکنی در جبهه نیروهای ملی و دموکراتیک سود
فراوان بر میدارد. سیاست ایران در مقابل شوروی گوشه‌های
از سیاست نو استعماری امریکالیسم است.
مجله خوانند نیما در شماره ۴ اسفند سال گذشته پس از اشاره
به "خطر شمال" و اظهار مسرت از اینکه "یک چنین خطر
جهمی بخواست خدا و بر اثر تحریر اوضاع جدد اقل رسیده و
یا بگلی دارد از بین میرود" بهبود روابط شوروی و ایران را
متذکر شد چنین نوشت: "به نظر ما نخستین کسی که باید
از این کار خرسند و خوشوقت و در عین حال متنون بشود
امریکائیها و آنتی کمونیستها باید باشند".

در اینجا باید نام ریز پیوسته هارا هم اضافه کرد که از این
کار "خرسند و خوشوقت" در عین حال "متنون" اند اما
تزدیکی دولت شوروی به رژیم کودتا پیش از آنکه ماهیت این
رژیم را بیوشانند ماهیت دولت امروزی شوروی را فاش میکرد اند
و این هم کمک بزرگی به بیداری و هشیاری خلق ایسران و
خلق شوروی است. خلق شوروی سابقه انقلابی درخشان و
پرافتخاری دارد. حکومت ریز پیوسته ها بر خلق شوروی
گذرا است. این خلق و خلق ایران در توفانهای بزرگ دست
برادری به یکدیگر داده اند. این برادری برای ما بسیار
گرامی است. ما یقین داریم که در یکبار عطشی که خلق دو
کشور بر علیه امریکالیسم و ریز پیوسته و ارتجاع در پیش دارند
برادری ما آبدیده خواهد شد.

ممالک آسیا، آمریکا و امریکای لاتین و به خلقهای شیفته صلح در
سراسر جهان و از آن جمله خلق امریکا که از مبارزه ما بر علیه تجاویز
امریکا و بخاطر نجات ملی فلان پشتیبانی می کند درود برادر
نه میفرستد و از آنها ضمیمه سیاسی گزاری میکند...

نگتهای... بقیه از صفحه ۴
رویز پیوسته های شوروی تا پیش از کودتای امریکالیستی یونان کشور
مدکرو را بعنوان نمونۀ پیروزی سلامت آمیز خلق معرفی میکردند
و بهمرویز پیوسته های جهان و از جمله ایران ایدر زرمید ادند که
براه حزب کمونیست یونان بروند. سازمان خود را منحل کند
شعارهای مبارزه جویانه را پوشیده دارند، راه پارلمانی را بگانه
راه خود بشمارند تا "موکراسی" یونان در کشور آنها بنشیند
یکی از رویز پیوسته های ایران در مجله دنیا (سال ۷ شماره ۴)
نمونه یونان را بعنوان "مثال بارز" محقق نشینیهای ارتجاع
و امریکالیسم "ذکر کرد که در آنجا "شاه باقی ماند ولی حکومت
فاشیستی جای خود را بدولتی داد که تا حدودی مقررات قانونی
را مراعات میکند" و آرزو کرد که چنین درخت باوروی در ایران نیز
بدست محمد رضا شاه برای مردم کاشته شود. ولی رویز پیوسته ها
هنوز در خواب خوش بودند که از نش یونان وارد عمل شد و ثابت
کرد که هیئت حاکمه تا وقتی که قوای صلح دار از دستبرد محقق
خلق باز نمی ایستد و مخلق تا وقتی که قوای صلح ندارد از هیچ
حقنی برخوردار نیست.
بدیهی است که هر مبارزه ای و حتی انحصار عادی اقتصادی نیز
تدارک لازم دارد. بدون وسیع تودها هیچ مبارزه ای بسر
انجام نمیرسد. مبارزه قهرآمیز هم که مثل عمده و تالی مبارزه
است تدارک لازم دارد. پیش از همه تدارک لازم دارد. نخستین
قدم در این راه نفوذ دادن فکر مبارزه قهرآمیز در توده هاست
این کاری است که هیچگاه در کشور ما صورت نگرفته است.
مارکسیست ها - لنینیست هاراز هیچ شکل مبارزه روگردان نیستند
ولی از هر مبارزه ای و از هر فرصتی برای تبلیغ این فکر استفاده
می کنند که فقط مبارزه قهرآمیز میتوان حقوق خلق را بدست
آورد و نگهداری کرد. وظیفه همه انقلابیون ایران سازمان دادن
این مبارزه است.

عنوان جدید کلکتات X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D'ADDA/ITALY
حساب بانکی CONTO 12470/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO / ITALY

دوستان!

تشریح "توفان" خند مکرار انقلاب ایران است. این نشریه تقاضای
داشت و دارد. ولی در طی مبارزات روزانه پیوسته بهبود یافته
و خواهد یافت بویژه اگر هریک از هواداران دوستان و خوانندگان
در بهبود آن تقار انشروکت جویند. از "توفان" انتقاد کنید نظر
یات خود را در باره بهبود آن تنظیم کنید برای ما ارسال دارید
موضوعات نوشته رایشنا بدیدید در نوشتن مقالات سهیم
گردید. انتقادات نظریات و مقالات خود را بدین نکران یا س
نام مستعاریه "آدرس توفان" ارسال دارید. در فروش و بخش توفان
ما را اندر کنید.
"توفان" و نشریات ضمیمه آن با منابع چاپخانه ای هواداران
"توفان" میخرند، انتشار منظم "توفان" افزایش صفحات آنرو
افزایش جزوه های ضمیمه آن را بطور مستقیم با وضع ما بدردار.
کک هواداران دوستان و خوانندگان "توفان" مرامین زمینه سه
میتواند نقش بزرگی ایفا کند. متأسفانه در اثر وضع خاص تشریح
ما اخذ آید و بنام بیعیاس وسیع میسر نیست. این برعهده خود خواند
ندگان است که آید زمان نشریه را را با سباب رسانند. هر کک شما
قدیمی در راه پیشرفت "توفان" است. از هر ککی هر قدر کوچک باشد
در رخ نوریزد سبلج آید و بنام واناعه خود و سایر دوستان و آشفایان
را مستقیماً به حساب تشریح بریزید.
بهای "توفان" در ایران ۲ ریال و در ترکیه معادل ۴ ریال و
در سایر کشورهای معادل ۱۰ ریال است بهیچ اشتراک یکساله
"توفان" معادل ۱۰۰ ریال است.



مقام و اهمیت انقلاب فرهنگی پروتاریائی

در ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم

سرمايه داری نیست .

تجربه ساختمان سوسیالیسم در کشورهای مختلف نشان میدهد که علیرغم پیروزی انقلاب اقتصادی و استقرار استحکام دیکتاتوری پروتاریا، علیرغم پیروزی انقلاب اقتصادی و استقرار استحکام مالکیت سوسیالیستی و تولید سوسیالیستی، پروتاریا هنوز از بازگشت نظام کهنه در آمان نیست. دشمنان طبقاتی که از اعمال قهر ضد انقلابی برای بازگشت به گذشته طرفی نیستند اکنون میکوشند از طریق سلامت آمیز و بویزه با مبارزه در زمینه مسائل فرهنگی و ایدئولوژیک راه را برای استقرار مجدد نظام کهنه هموار سازند: آنها میکوشند از ایدئولوژی کهنه، عادات و رسوم کهنه، افکار و عقاید کهنه که هنوز در جامعه و در میان توده های مردم ریشه های زهرآگین عقیقی دارند استفاده کرده و زمینه فکری را برای بازگشت به نظام منسوخ فراهم آورند. در اینجا است که رویزیونیسم بکله آنها «بیشتابه» یار و یاور آنان میگردد. رویزیونیسم در واقع همان ایدئولوژی بورژوائی است که بر آن لباس مارکسیسم - لنینیسم پوشانده اند. رویزیونیست ها عاملین بورژوائی در جنبش کمونیستی و کارگری اند. تجربه محفل پتروفی در ضد انقلاب مجارستان که اکنون در کشورهای چکسلواکی، لهستان و حتی اتحاد شوروی تکرار میشود، تجربه اتحاد شوروی پس از گشت پنجاه سال از انقلاب اکتبر آموزنده است. در صورتیکه در زمینه فرهنگی و ایدئولوژیک انقلابی بوقوع نمیرسد، تحول قهرآنی جامعه امری ناگزیر است. به این علت است که انقلاب سیاسی و انقلاب اقتصادی پروتاریا باید بناچار با مرحله انقلاب فرهنگی پروتاریائی تکمیل گردد تا طی آن ایدئولوژی بورژوائی که هنوز بر جای مانده با ایدئولوژی پروتاریائی جانشین شود و سوسیالیسم از خطر بازگشت به نظام سرمايه داری برای همیشه مصون ماند. مرحله انقلاب فرهنگی طولانی ترین مراحل انقلاب پروتاریائی است زیرا که آماج آن یعنی نهاد و سرشت انسان فرقه ناست با افکار، اخلاق و عادات طبقات استمارگر خو گرفته است.

روزانه زن مین ژیاکو در این زمینه چنین مینویسد: «انقلابی کبیر فرهنگی کوفتی نخستین انقلاب از این نوع است. در آنگد چنین انقلابی ناگزیر بارها تکرار میشوند. رفیق مائوتسه درون در سلهای اخیر غالباً خاطر نشان ساخته است که فرجام انقلاب یعنی حل این مسئله که سر انجام پیروزی با کی است؟ محتاج به یک دوران تاریخی طولانی است.

اگر این انقلاب با قاطعیت انجام نگیرد بازگشت سرمايه داری در هر لحظه آمان پذیراست. تمام اعضای حزب همه مردم در سراسر کشور باید از این اندیشه محروم و یا شکه می توانند با آرایش بخوابند و پس از یک دو سه چهار انقلاب کبیر فرهنگی همه چیز بخوبی جریان خواهد یافت. ما باید بایسن امر توده خاصی مینزل داریم و به پیچوجبه از شمیاری خود نگاهیم».

از اینجا اهمیت تاریخی انقلاب فرهنگی پروتاریائی در ساختمان سوسیالیسم روشن است و انقلاب فرهنگی خلق چین که هم اکنون در زیر رهبری رهبر بزرگ جنبش کمونیستی جهانی رفیق مائوتسه درون جریان دارد اختصاص به چین و به انقلاب چین ندارد بلکه دارای جنبه جهانی است. ساختمان سوسیالیسم در هر کجا که پیش آید باید مرحله انقلاب فرهنگی - پروتاریائی را بپیماید. متشوری انقلاب فرهنگی پروتاریائی از تجربه ساختمان سوسیالیسم در چین راتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برخاسته است. رفیق مائوتسه در بیان جمع بندی تجربیات مثبت و منفی این کشورها بویژه با برسی پیدایش رویزیونیسم در اتحاد شوروی پس از مرگ استالین تقوی انقلاب فرهنگی پروتاریائی را تدوین کرد و به جنبش کمونیستی جهانی عرضه داشت و تقوی انقلاب پروتاریائی را با آن تکامل بخشید.

انقلاب فرهنگی پروتاریائی که در واقع با نهاد و سرشت

افراد جامعه سروکار دارد و باین منظور انجام میگردد که یکبار برای همیشه ایدئولوژی کهنه، اخلاق و سنن اجتماعی کهنه را از جامعه براند. ایدئولوژیست دشوار طولانی کس - تواند دهها سال بلکه قرنها بطول انجامده ولی بهرحال از آن نمیتوان طفره رفت زیرا که تنها با عبور از این مرحله از انقلاب پروتاریائی است که میتوان ساختمان سوسیالیسم را ادامه داد و بسوی جامعه کمونیستی پیشرفت.

ایدئولوژی کهنه، عادات و اخلاق کهنه در نهاد افراد جامعه محملی است که دشمنان طبقاتی از آن برای پیشبردن مقاصد کربه خود استفاده میکنند. باید این ایدئولوژی، این عادات و اخلاق را ریشه کن کرد و بجای آن ایدئولوژی و اخلاق پروتاریائی نشاند. فرهنگ تازه را بر روی ویرانه های فرهنگ کهنه ایجاد نمود.

آنجا که سخن از انقلاب بماند باید ناگزیر فعالیت آفریننده توده های خلق مطرح میشود. انقلابی که توده های وسیع مردم در آن شرکت ندارند «انقلاب شاهانه» است که فقط پدر «پدر تاجدار» و شیادانی که پدر او گرد آمده اند میخورند. پدر رویزیونیستهای حزب توده ایران میخورد که با نقاشی جنبه های مثبت آنرا بیرون بکشند. در انقلاب کبیر فرهنگی خلق چین دهها صد ها ملیون از کارگران، دهقانان و روشنفکران انقلابی شرکت دارند. در این میان نقش بسیار مهمی برعهده جوانان است و نمیتواند نباشد. جوانان امروز مردان فردا اند و آینده متعلق به آنهاست. باید بیسن است برای صیانت پیروزیهای سوسیالیسم از دستبرد رویزیونیسم و دشمنان طبقاتی باید از همه کمترین جوانان را با ایدئولوژی پروتاریائی آشنا کرد. بله عملیگر انقلاب کشانید. تا آنها با تجربه و خوش اهمیت مبارزه ایدئولوژیک را دریابند، آگاهانه و با دست خوش دنیای کهنه را ویران کنند و راه را بر بازگشت نظام کهنه ببندند. از سوی دیگر جوانان چون در آغاز زندگی خود اند، محافظه کاری در آنها ریشه ندارد و آنها با سهولت اندیشه های انقلابی را فرا میگیرند و در فعالیت خود دیگر مینندند. شرکت جوانان در انقلاب امکان میدهد که نسل های وارث انقلاب به آرمانهای انقلاب وفاداری بیچون و چرا نشان دهند و از آنها از دل و جان دفاع کنند. بدون تربیت چنین نسلهائی، سرشست انقلاب را نمیتوان تضمین کرد و در یازود انقلاب به شکست خواهد گرائید. هستند کسانی که باین خصوصیات جوانان توجه ندارند و از این رو در درک انقلاب فرهنگی دچار گمراهی میشوند.

این است مقام و اهمیت تاریخی و تقوی انقلاب فرهنگی پروتاریائی. مینبوه نیست که دشمنان سوسیالیسم و رویزیونیسم نسبتاً انقلاب فرهنگی خلق چین را آماج گرفته اند. مینبوست انقلاب ناقوس مرگ رویزیونیسم است. ناقوس مرگ بورژوازیست.

لعنت ابدی

مجله معروف شوروی بنام «مصر جدید» بمناسبت حوادث اخیر مصر از توطئه مارشال عامر یاد کرده و نوشته بود: «نیروهای خرابکار به پختگی سیاسی خلق و ارتش کمپسها داده بودند... دسیسه دست راستیها فاش نشد و بحران مرتفع گردید».

ولی نه مجله مذکور و نه مجلات دیگر شوروی و نه هیچیک از رویزیونیست های جهان یاد آور نمیشوند که این مارشال عامر دست راستی خرابکار، توطئه گره نشان قهرمان اتحاد شوروی داشت و این نشان را همان کسی به سینه او زد که با حیثیت دنیای سوسیالیسم با نام اتحاد شوروی دلال وار خروشچف بود.

لعنت ابدی بر او باد!

مارکسیسم لنینیسم میادورد که مسئله اساسی هر انقلابی از آن جمله انقلاب پروتاریائی، در دست گرفتن قدرت سیاسی است، پیش از تیل به قدرت سیاسی سخنی هم از انجام وظایف انقلاب نمیتواند بماند. آید ما از بیجهت پروتاریا برای ایجاد جامعه سوسیالیستی نخست طبقات استمارگر را از اریکه قدرت بریزیم میکشد، دستگاه دولتی این طبقات را درهم میکشد و ولت خود را بجای آن مینشاند.

این مرحله از انقلاب سوسیالیستی به پروتاریا امکان میدهد که در سیاسی راز و چنگ دشمن طبقاتی بدر آورده ولی این هنوز به آن معنی نیست که انقلاب سوسیالیستی بر دشمنان خود قاطق آمده است. دشمنان طبقاتی میکوشند که در تسخیر شده را با اعمال قهر ضد انقلابی از نو بتصرف خود در آورند. اگر در کمون پارسی بورژوائی به با زین گرفتن در سیاسی توفیق یافت و انقلاب را در خون غرق ساخت، در انقلاب اکتبر کوششهای بی بجائی نرسید و انقلاب توانست در سیاسی راهمچستان در دست خود نگاهدارد و پیوسته در آن استحکام بخشد. مرحله انقلاب اقتصادی و اقتصادی را از دور ژوائی می ستاند. پایگاه های اقتصادی، مالی بورژوائی را با مالکیت اجتماعی همه خلق در میآورد. بویژه با اشتراکی کردن تولید کشاورزی مالکیت سوسیالیستی و تولید سوسیالیستی را بجای مالکیت خصوصی و تولید خرد کلاسی مینشاند.

انقلاب اقتصادی که در شرایط دیکتاتوری پروتاریا صورت میگردد با برخورد های طبقاتی شدید همراه است، پیروزی این انقلاب هنوز مبارزه طبقاتی پایان نمیدهد. مبارزه طبقاتی هم چنان ادامه مینماید. در تمام دوران تاریخی ساختمان سوسیالیسم جریان دارد. این مبارزه گرچه اشکال گوناگون بخود می گیرد ولی در ماهیت خود چیزی جز مبارزه میان سوسیالیسم و

تکفای... بینه از!

اینک با این سؤال دیگر ببرد ازیم که چرا نبرد قطعی و آخرین فقط بشکل قهر آمیز مبارزه بوقوع مینویسد.

زیرا که بهترین وسیله فرمانروائی هر طبقه یا طبقات فرمانروائی مسلح آنهاست. هر هیئت حاکمه در هر لحظه حساس که حکومتش در اثر طغیان توده ها، بنظر افتد، کمان این قوا را بمیدان خواهد فرستاد. و تا این قوای مسلح برجاست حکومت او بریاست تاریخ نشان نداده و نمیدهد که طبقه و طبقات حاکمهای قوای مسلح خود را که برای روز «واقع» بروراند مانند ناگهان وداع گویند و دوهای خود را بدست خود بربری توده های انقلابی بکشایند.

فقط کبیر مینویسند و نابود ساختن این قوای مسلح است که میتوان در های حکومت را کسود، طبقه یا طبقات فرمانروا را از سندن بریز آورد. در تاریخ معاصر ایران سرکوب نهضت آذربایجان در سال ۱۳۲۵، یورش به نیروهای مومکراتیک در بهمن ۱۳۲۷، کودتای خاندانه ۱۳۳۲، کشتار مردم بجان رسیده در خرداد ۱۳۴۲ که همگی بدست نیروهای مسلح محمد رضا شاه انجام یافت از این حیث آموزنده است. صفحه خونینی که با سرنیزه ارتش ارتجاعی در تاریخ ملل اندونزی و یونان نوشته شده و میشود از این حیث عبرت انگیز است.

بدیهی است که هیئتهای ارتجاعی فرمانروا - آنها هم درجهان شونی ما - همیشه بیک شیوه حکومت نمی کنند. آنها کهنه کارند حیلها زند و درشتی و نوبی را بهم آمیخته اند. یک روز ندان بچکر میک آرد و اغراض میکند و حتی سر متعظیم فرود میآورد تا روزی که با رندگی بیشتر و بی شرمی تمام در ندان بگلوی خلق فرو برند. عقب نشینی آنها در ورخی برای حملات جدید است. وای بر کسانی که این تغییر شیوه ها را در رنهایند و آنرا بتغیر ماهیت هیئتهای فرمانروا تعبیر کنند. وای بر رویزیونیست ها که این تغییر شیوه ها را بهانه ستایشگری رژیمهای ارتجاعی و وسیله فریب توده ها مرد بساختنند.

بقیه در صفحه ۳